



پیشینه تاریخی آستان قدس رضوی

در دوره افشاریه

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۹

مهدی دهقانی^۱

چکیده

از عصر صفویه، جایگاه مذهبی عمرانی ممتاز آستان قدس رضوی عملکرد سیاسی تاثیرگذار آن را نیز به دنبال داشت. با فروپاشی حکومت صفویه، حاکمان کرسی ایالتی همچون خراسان تضعیف و برکنار شدند و مقدمات خودمختاری بزرگان شهری از جمله متولی بارگاه امام ثامن (علیه السلام) مهیا شد. بر این مبنای، پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ به این پرسش است که آستان قدس رضوی چه جایگاهی در دوره افشاریه داشت؟ در پاسخ، به این برآورد می‌رسیم که در دوره افشاریه، آشوب و ناامنی اجتماعی فراگیر از یک سو موجب مصادره اموال بارگاه امام هشتم شیعیان (علیه السلام) توسط مدعیان سلطنت شد و از سوی دیگر، زمینه طلب استغاثه طبقات مختلف جامعه حتی فرمانروایان در قالب زیارت، سکونت، تدفین و اقدامات عمرانی را فراهم آورد. این پژوهش با رویکرد تاریخی و شیوه جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی تاریخی از منابع دست اول تاریخی پس از توصیف و طبقه‌بندی جنبه‌های گوناگون جایگاه آستان قدس رضوی به تحلیل و تفسیر این ویژگی‌ها و تأثیرات مختلف سیاسی اجتماعی آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: آستان قدس رضوی، زیارت، نظام اداری، اقدامات عمرانی، دوره افشاریه.

* این مقاله از طرح پژوهشی به شماره ۶-۰۱-۷۸۱۴ استخراج شده و با بهره‌مندی از اعتبارات پژوهشی دانشگاه جیرفت به انجام رسیده است.

mehdi.dh82@yahoo.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه جیرفت:

۱. مقدمه

۱-۱. مسئله پژوهش

در طول تاریخ ایران، مراقد بزرگان مذهبی اهمیت اجتماعی سیاسی فراوانی داشته است. مهم‌ترین این آستانه‌ها، بارگاه امام رضا (علیه السلام) بوده که با آغاز عصر صفویه از عوامل مهم هویت ملی ایرانیان و منبع مشروعیت‌بخش بسزایی برای فرمانروایان شیعی محسوب می‌شده است. پس از عصر صفویه و وقوع دوره آشوب ممتد اجتماعی، طلب استغاثه طبقات مختلف جامعه از جمله فرمانروایانی همچون نادرشاه افشار به مراقد مقدس شیعیان به‌ویژه بارگاه امام ثامن (علیه السلام) در اشکال مختلفی مانند زیارت، سکونت، تدفین و اقدامات عمرانی افزایش چشمگیری یافت. فرایندی که به نوبه خود موجب شد به‌رغم وجود غارتگری‌ها و هتک حرمت‌های مدعیان مختلف سلطنت، منبع هویتی و مشروعیت‌بخش آستان قدس رضوی و متولیان آن با کسب استقلال عمل فراوان، گسترش روزافزونی یابد.

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

در این پژوهش، تلاش می‌شود جنبه‌های مختلف و تأثیرگذار پیوند معنوی آستان قدس رضوی با طبقات مختلف جامعه دوره افشاریه در شکل‌های مختلف زیارت، سکونت، تدفین و اقدامات عمرانی بررسی شود؛ بر این اساس، پرسش مذکور مطرح می‌شود: جایگاه آستان قدس رضوی در دوره افشاریه به چه سان بود؟ با وجود تلاش نادرشاه افشار برای سیطره بر طبقات مذهبی جامعه و ضبط اوقاف، پیوند معنوی با بارگاه امام رضا (علیه السلام) و تلاش برای کسب مشروعیت سیاسی مذهبی لازم، موجب شد تا آستان قدس رضوی جایگاه متمیزی در زمینه سیاسی، مذهبی و اقدامات عمرانی در دوره سلطنت وی و جانشینانش ایفا کند. در این پژوهش، با کاربرست روش تحقیق تاریخی و استناد به منابع دست اول کتابخانه‌ای و اسنادی، جنبه‌های گوناگون سیاسی، مذهبی و اجتماعی آستان قدس رضوی در دوره افشاریه توصیف و سپس تأثیرات مختلف آن تحلیل و بررسی می‌شود.

۳-۱. پیشینه تحقیق

کتب و مقالاتی درباره جنبه‌هایی خاص از آستان قدس رضوی در دوره افشاریه نگاشته شده است. علی سوزنچی کاشانی در مقاله «معرفی نایب التولیه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه» حقوق نایب التولیه‌های دوره افشاریه را برابر با حق التولیه مدت زمان ایام غیبت متولی دانسته است. ابوالفضل حسن آبادی در پژوهش «متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا افشاریه» استقرار پایتخت در مشهد را موجب مداخلات پادشاهان افشار در امور آستان قدس و تعیین خط مشی برای متولیان می‌داند. زهرا طلایی در مقاله «بررسی اسناد زنان شاغل در حرم امام رضا (علیه السلام) از دوره صفویه تا قاجاریه» به مشاغل زنانه آستانه (بخورسوز، کفشبان، بیماردار و عزب دارالشفاء) (اسناد شماره ۱-۲) و میزان حقوق نقدی و جنسی‌شان اشاره دارد. محمد حبیبی در «بست و بست‌نشینی در حرم امام رضا (علیه السلام) بر پایه طومار علیشاهی، به حدود و تکالیف بست‌نشینی از جمله وظایف ایشیک آفاسی باشی آستانه اشاره کرده است. الهه محبوب هم در مقاله «سقا و سقاخانه در حرم رضوی» به مخارج سقاخانه‌های قدیم و نادری و میزان حقوق سقایان می‌پردازد (طلایی، ۱۳۸۵: ۱۷، ۷۹، ۱۵۰-۱۵۱، ۲۳۲ و ۲۸۴). حمیده شهیدی در پژوهش «دارالشفاء آستان قدس رضوی در دوره صفویه» معتقد است در دوره افشاریه، دارالشفاء به‌عنوان یکی از بیوتات آستان قدس رضوی مستقل از شربت‌خانه شد (طلایی، ۱۳۸۷: ۷۳) نگارنده کتاب «تاریخ نقاره‌خانه رضوی» معتقد است که ضبط موقوفات آستان قدس رضوی و درآمدهای حاصل از آن توسط نادر موجب حذف بعضی از مشاغل و در نتیجه کوچک شدن تشکیلات اداری آستان قدس شد؛ ولی به گواهی اسناد، نقاره‌خانه نه‌تنها کوچک‌تر نشد، بلکه منسجم‌تر هم شد (فاطمی مقدم، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۳) در کتاب «سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم» به صورتی گذرا به زران‌دود شدن مناره ایوان عباسی و وقف قنبدیل و قفل مرصع توسط نادرشاه، میرشمس‌الدین محمد و داود میرزا متولیان آستانه، زیارت احمدشاه درانی و مصادره اموال سرکار فیض آثار^۱ توسط فرزندان شاه‌رخ شاه اشاره شده است (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۷۹-۱۸۰ و ۱۹۰-).

۱. به بارگاه و همچنین اداره متولی بارگاه امام رضا (علیه السلام) اطلاق می‌شد.

۱۹۱). نگارندگان مقاله «تأثیر سیاست‌های وقفی نادرشاه و علیشاه افشار بر کاهش یا رشد موقوفات آستان قدس رضوی» به ضبط موقوفات و درآمدهای آستان قدس و نظارت نادرشاه در قالب انتخاب صاحب‌جمع شماعی خانه به‌عنوان «معمد سرکار دیوان اعلی» اشاره می‌کنند و به تأثیر مداخلات مذکور در بی‌نظمی و کوچک‌تر شدن تشکیلات آستانه از جمله حذف شغل «محرر دفتر توجیه» می‌پردازند (سوزنچی کاشانی و شعبانی، ۱۳۹۳: ۸۲-۸۴). پژوهش «بررسی جایگاه منصب مهرداری در آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا قاجار» به موروثی بودن مشاغل آستان قدس، اسامی مهرداران و انتصاب میرزا ابوطالب به منصب مهرداری توجه می‌کند (موسوی و دلبری، ۱۳۹۷: ۱۰، ۱۲ و ۱۹). در مقاله «سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی» آمده است که ضبط اوقاف و حضور مستقیم حکومت مرکزی در مشهد، موجب دخالت هر چه بیشتر حکومت مرکزی بر تشکیلات آستان قدس رضوی شد و حکومت هر شش ماه مبلغی مشخص به آستانه برای تأمین هزینه‌ها پرداخت می‌کرد (فاطمی مقدم، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۷). نگارنده «موقوفات متولیان آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه» تعداد واقفان عصر افشاریه به‌ویژه حکومت شاه‌رخ‌شاه را ۱۹ نفر ذکر می‌کند که در این میان، حاکمان و رجال سیاسی ۱۵ نفر، اشراف و ثروتمندان سه نفر و عالمان یک نفر بودند (نظرکرده، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۵ و ۱۱۵). مقاله «بررسی مهر و امضا در وقف‌نامه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا پهلوی» نمونه مهر محمدجعفر بیگ واقف مزرعه‌ی نوکاریز از بلوک تبادکان مشهد در سال ۱۱۶۵ ق را آورده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۸۲). پژوهش «تاریخچه شربتخانه آستان قدس رضوی بر مبنای اسناد» وظایف شربتخانه را تغذیه روزانه کارکنان یا مجالس اعیاد می‌داند و به مناصب شربتخانه از جمله صاحب‌جمع به‌عنوان مسئول و مشرف، کلیددار و عزب شربتخانه اشاره می‌کند (شهیدی، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۵). نویسنده «تحلیلی بر خدمت موروثی در حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت معنوی در مشهد» معتقد است که سال ۱۱۴۵ قمری، محمدحسن نامی درخواست درباری آستان قدس رضوی را بنا بر برکناری محمدباقر دربان سابق نمود که با اعلام موافقت ناظر آستان قدس، منصوب شد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۷۲-۱۷۳). درباره اهدای نذورات مختلف به

بارگاه امام رضا (علیه السلام)، مقاله «تحلیلی بر تاریخ نذورات آستان قدس رضوی از صفویه تا قاجاریه» به اهدای نذورات طبقات مختلف اجتماعی از بازرگانان، بازاریان و نظامیان به آستان قدس از جمله پنجه‌های طلا و چلچراغ‌ها و همچنین تبار قومی اهداکنندگان نذورات اشاره کرده است (ابوالبشری و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۷). پژوهش‌های مذکور بر تشکیلات اداری آستان قدس رضوی تأکید کرده، ولی به جنبه‌های اجتماعی آن چندان توجهی نداشته‌اند. در دوره افشاریه، با وجود آشوب اجتماعی فراگیر، سنن پیوند معنوی جامعه با بارگاه امام رضا (علیه السلام) در قالب زیارت، سکونت و تدفین تداوم یافت و حتی به سبب طلب استغاثه طبقات مختلف جامعه، نمود بارزتری در قالب نقش مهم سیاسی، مذهبی، نظامی و اجتماعی متولیان آستان قدس ایفا کرد. با این اوصاف، در پژوهش فعلی، جایگاه آستان قدس رضوی در قالب عناوینی شامل سنت زیارت، سکونت و تدفین، جایگاه سیاسی متولیان، پیوند معنوی فرمانروایان افشار با امام رضا (علیه السلام) و مناصب اجرایی و فعالیت‌های عمرانی مربوطه بررسی می‌شود. محورهای مذکور در ادامه مبحث به ترتیب مطرح می‌شود.

۲- مبانی نظری

۱-۲. سنت زیارت، سکونت و تدفین در آستان قدس رضوی

نادرشاه از آغازین سال‌های قدرت‌گیری خویش عادت داشت قبل از شروع نبرد و حتی پس از کسب پیروزی در اطراف و اکناف ایالت خراسان به زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) بشتابد و طلب نصرت و نذر و نیاز کند؛ به‌عنوان مثال، در جریان تصرف شهر مشهد از ملک محمود سیستانی، شکست طایفه ترکمن یموت یا تصرف قلعه سنگان به زیارت آستان قدس رضوی شتافت و به تناول شیلان^۱ در صفه گنبد الله‌وردی خان که مهمان‌خانه سرکار فیض آثار است، پرداخت (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۶۱؛ مروی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۹۲ و ج ۱: ۱۰۳؛

۱. شیلان به معنای ناهاری است که برای بزرگان و امرای معروف تهیه می‌شد.

گزارش کار ملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۶۲) طبق گزارش‌های تاریخی، جدای از شخص فرمانروا، دیگر شخصیت‌های تاریخی هم به زیارت بارگاه امام ثامن (علیه السلام) می‌شتافتند که از جمله می‌توان لطفعلی خان کوسه احمدلو سردار، آذر بیگدلی شاعر و محمدعلی حزین عالم مشهور را برشمرد (مروی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۸۲۰؛ آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۷۲۰؛ حزین، ۱۳۳۴: ۷۸). علیشاه افشار به پیروی از سنت فرمانروایان صفوی، عالمان نایب‌الزیاره‌ای به اسامی میرزا ابومحمد، حاجی مهدی و میرزا محمدشفیع در بارگاه امام رضا (علیه السلام) داشت که حقوق سالیانه‌ای به مبلغ ۴۰ تومان نقد و ۴۰ خروار جنس، دریافت می‌کردند (طومار علیشاهی، ۱۳۷۹: ۱۰۷ و ۱۱۲).

از دوره صفویه رسم بود که شخصیت‌های مهم سیاسی مغضوب به‌صورت داوطلبانه یا به‌اجبار به مراقد مقدسی همچون حرم امام رضا (علیه السلام)، بارگاه حضرت معصومه (علیها السلام) یا آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی تبعید شوند تا در آنجا به دعاگویی دوام حکومت فرمانروا مشغول باشند. رسم پناهندگی و تبعید مقامات سابق در دوره حکومت افشاریه هم وجود داشت. به‌عنوان مثال، نخستین مورد آن پیرامون ملک محمود سیستانی حاکم سابق مشهد بود که با شکست از نادر، از مقام فرمانروایی به کسوت درویشی اکتفا کرد و در یکی از حجره‌های آستان مقدس ساکن شد^۱ (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۶۲). با این همه، مشهورترین چهره تبعیدی، شاه طهماسب دوم بود که نادر با تفویض سلطنت پوشالی به فرزندش شاه عباس سوم، وی را به همراه نزدیکانش تحت‌الحفظ به مشهد مقدس فرستاد تا در آستان قدس رضوی به دعاگویی پادشاه وقت اقدام کند (مستوفی، ۱۳۹۸: ۱۵۹؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). در تداوم همین روند، رضاقلی میرزا فرزند نادرشاه افشار پس از واقعه کور شدن درخواست کرد به منظور دعاگویی و فاتحه‌خوانی دوام حکومت فرمانروا در آستان علی بن موسی‌الرضا (علیه السلام) ساکن شود. نادر نیز وی را به همراه عده‌ای از غلامان خاصش روانه مشهد مقدس کرد (مروی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۸۵۳-۸۵۴).

هنگام وقوع شورش‌ها و آشوب‌های داخلی، مراقد مقدس امامان و امام‌زادگان به

۱. نمونه مشابه: سید محمدمتولی به شاهرخ شاه افشار پیام داد برای دعاگویی دوام حکومت به وی اجازه سکونت در عتبات عالیات را بدهد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۱).

مأمونی برای پناهندگی تمام اهالی شهر تبدیل می شد تا از این رهگذر، لشکریان مهاجم به پاس حرمت آستان مقدس بدانجا تجاوز نکنند. در همین زمینه، در یکی از حملات احمدشاه افغان به شهر مشهد، اهالی قلعه و تمامی ساکنان شهر به عمارات آستان قدس رضوی پناهنده و به دعا و نذر و نیاز مشغول شدند. نگارنده تاریخ احمدشاهی سبب انصراف لشکریان افغان از محاصره را پاس ادب و ملاحظه مقام عرش احترام حضرت امام (علیه السلام) و مؤلف کتاب رستم التواریخ آن را اعجاز امام ثامن دانسته است (جامی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۶۷؛ رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۲۴۳؛ خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۴۹). با وجود آنکه، نیروهای سواره نظام معمولاً به مراقد مقدس تجاوز نمی کردند، ولی بنا به نوشته مؤلف تاریخ نادرشاهی، یتیمان و خدمتکاران آنان در این خصوص ترحمی نداشتند؛ از جمله خدمتکاران سواره نظام نادرشاه افتخار می کردند که عده ای از سادات ساکن نجف، کربلا و مشهد مقدس را که از بیم جان به مراقد ائمه (علیهم السلام) پناه بسته بودند در همان اماکن به قتل رسانیده اند (وارد، ۱۳۴۹: ۱۴۶).

در دوره افشاریه، عده ای از عالمان شیعه به اشتغال در فعالیت های علمی و تدریس در سرکار فیض آثار و همچنین مراقد مقدس عتبات اهتمام داشتند؛ به عنوان نمونه، میر محمدجعفر تهرانی با محاصره شهر اصفهان به مشهد مهاجرت کرد و با سکونت در بارگاه امام ثامن (علیه السلام) به عبادت و تدریس طالبان علم اهتمام نمود (واله داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۴۱-۵۴۲). با وجود تمایل شخصیت های سیاسی و علمی به مجاورت سرکار فیض آثار، سیاست کوچ اجباری اقوام مختلف کشور نیز موجب ازدحام جمعیت شهر مشهد می شد؛ علاوه بر آن، بنا به برآورد آندری دوکلوستر در سال ۱۱۴۰ قمری، مشهد با وجود مسافرانی که به قصد زیارت بدانجا روی می آوردند، شهری پر جمعیت بود (دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۲۵).

از عصر صفویه به سبب تبرک، بسیاری از پادشاهان و بزرگان طبق سنت خاندانی یا وصیت شخصی در اماکن مقدس مذهبی و به ویژه آستان قدس رضوی تدفین می شدند. به عنوان نمونه، اجساد شاه طهماسب دوم و فرزندش شاه عباس سوم در صفة جدشان شاه طهماسب اول دفن شدند (قزوینی، ۱۳۶۷: ۸۷؛ مرعشی، ۱۳۶۲: ۸۴). در دوره افشاریه شاخص ترین شان، اعضای خاندان میرزا داود متولی داماد شاه سلیمان اول صفوی بودند؛

به طوری که بدر شرف بیگم، زیب النساء بیگم و میرزا محمدصادق از نوادگان میرزا داود متولی به ترتیب در عمارات آستان مقدس و سرداب میرزا محمد داود در صحن پایین پای مبارک مدفون شدند^۱ (هاشم میرزا سلطان، ۱۳۷۹: ۶۵ و ۶۷). در دوره افشاریه، فرماندهان برجسته نظامی منزلت اجتماعی والایی در نزد نادرشاه داشتند. به همین دلیل، در صورت وفات یا کشته شدن شان در میادین نبرد، بسیاری از آنان بنا به فرمان وی در آستان قدس رضوی مدفون می شدند. به عنوان نمونه، به عده ای از لشکریان مروی فرمان داده شد تا جنازه احمدخان سردار خویش را در حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دفن کنند. به طریقی مشابه، جنازه سردار خان افشار بیگلربیگی شیروان در آستانه دفن شد. در همین زمینه، محمدکاظم مروی جنازه والدش را که از مقامات نظامی قشون افشاریه محسوب می شد، از تبریز به مشهد مقدس حمل کرد^۲ (مروی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۶۰۸، ۶۴۸ و ۶۶۰).

۲-۲. جایگاه سیاسی متولیان آستان قدس رضوی

منزلت اجتماعی علمی والای متولیان اماکن مقدس و تاثیرگذاری شان بر آحاد مردم موجب می شد تا فرمانروایان و حاکمان مختلف درصدد باشند از طریق وصلت با آنان مشروعیت سیاسی خویش را افزایش بدهند. برای نمونه، در ۲۲ صفر ۱۱۴۴ قمری، نادر با خواهر شاه سلطان حسین و بیوه میرزا داود متولی سابق بارگاه امام رضا (علیه السلام) ازدواج کرد^۳ (کروسینسکی، ۱۳۹۶: ۳۳۸). در مواقعی شخص متولی آستان قدس رضوی، واسطه ای برای ازدواج سیاسی فرمانروای افشار می شد؛ به عنوان مثال، نادر برای عقد ازدواج با خواهر محمدحسین خان زعفرانلو از سران کرد خراسان، میرزا محمدرضا متولی سرکار فیض آثار و سایر بزرگان مشهد مقدس را با هدایای بسیار روانه خوشان کرد (مروی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۷۷).

۱. نمونه مشابه: شهربانو بیگم همسر میرزا داود متولی به گفته مرعشی «در داخل درب طلا» و همچنین فرزندش شاه سلیمان دوم طبق نگاشته آذر بیگدلی در روضه رضویه دفن شدند (مرعشی، ۱۳۶۲: ۹۵؛ آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۴۷۴).
 ۲. در این دوره، بسیاری از عالمان و شاعران همچون میرزا محمدشفیع متخلص به بسمل و همچنین محمدکریم اشتیاردی وزیر در جوار بارگاه امام رضا (علیه السلام) مدفون شدند (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ج ۱: ۴۲۶-۴۲۷ و ج ۳: ۱۹۳۵).
 ۳. نمونه مشابه: در سال ۱۱۷۷ قمری، آقا محمدشرف خان متولی و ملاباشی آستان مقدس رضوی با سلطان خانم ازدواج کرد (طلایی، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

یکی از مهم‌ترین وظایف متولیان بارگاه مطهر رضوی، وساطت و انجام مذاکرات سیاسی از جانب فرمانروا بود که از همان دوره قدرت‌گیری نادر در رخداد صلح با شاه طهماسب دوم صورت گرفت؛ چنان‌که، نادر، میرزا شمس‌الدین محمد متولی آستان قدس رضوی را در مأموریتی موفقیت‌آمیز به خوشان فرستاد و استدعای بازگشت به مشهد مقدس را کرد (مستوفی، ۱۳۹۸: ۱۴۹). با افزایش قدرت نادر نقش سیاسی متولی کاهش یافت، ولی بنا به جایگاه رفیع اجتماعی در صورت نیاز در جریان اقدامات سیاسی فرمانروای افشار از جمله در رخداد خلع شاه طهماسب دوم و اعلام سلطنت شاه عباس سوم قرار می‌گرفت:

عالی‌جاه سلاله الاطیاب میرزا محمدرضای متولی و کلانتر و اعزه و اهالی و اعیان مشهد مقدس به توفیقات الهی موفق و به توجهات خاطر عالی مستوثق بوده بدانند که در این مدت که فرمانروایی ایران به ذات شریف نواب کامیاب طهماسب میرزا اختصاص داشت، هر روز امری حادث و به مصلحت‌سنجی کارگزاران آن دولت سنوح حادثه‌ای را باعث می‌گشت. صغیر و کبیر از شاخسار اقبالشان به جای گل دست حسرت بر سر می‌زدند و برنا و پیر از خوان احسان‌شان به جای نوال خون‌جگر می‌خوردند (نویسی، ۱۳۶۸: ۲۱۷).

با اتمام دوره سلطنت نادرشاه، قدرت سیاسی متولیان آستان قدس رضوی افزایش یافت. تمامی متولیان در دوره حکومت آشفته‌جانشینان فرمانروای افشار نقش مؤثری در حراست از خراسان به‌ویژه شهر مشهد داشتند؛ چنان‌که، میرزا سید محمد متولی با اعلام مرگ نادرشاه ضمن حراست از قلعه مشهد، طبق رسم معمول متولیان سرکار فیض آثار برای پاسداشت و استقبال پادشاهان، علی‌قلی خان را پس از ورود به شهر مشهد به زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) برد و در همان روز بر تخت سلطنت نشاند (مرعشی، ۱۳۶۲: ۹۷). در دوره نخست حکومت شاهرخ شاه افشار، احمدشاه ابدالی با محاصره شهر مشهد از وی خواستار ملاقات و همچنین زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) شد و در این خصوص، نامه‌هایی به‌منظور وساطت به بزرگان شهر به‌ویژه میرزا ابراهیم متولی آستانه قدس رضوی که نفوذ فراوانی در نزد پادشاه داشت، ارسال کرد که مورد پذیرش قرار نگرفت (جامی، ۱۳۸۶: ۱۲۲ و ۱۶۳).

کوری شاهرخ شاه افشار در دوره دوم سلطنتش، موجب قدرت‌گیری امرای یاغی خراسان شد؛ ولی همچنان نقش بسزایی در افزایش نفوذ و مداخله سیاسی میرزا امین که متولی بارگاه مطهر رضوی بود، بر جای گذاشت. از دلایل دیگر، قدرت فراوان میرزا امین، کلانتری و ریش سفیدی شهر مشهد بود که موجب همفکری وی با بزرگان شهر در مواقع بحرانی می‌شد؛ به طوری که برای مقابله با حمله احمدشاه ابدالی، علم‌های بارگاه امام ثامن (علیه السلام) را بر دوش خادمان و قرآن مجید را در دستان عالمان آستان مقدس نهاد و به نزد جعفر خان کرد و دیگر خوانین چمشگزک فرستاد تا بدین واسطه آنان را برای پاسداری مشهد مقدس با خویش متحد کند. در طی حمله دیگری از احمدشاه ابدالی به مشهد، میرزا امین متولی با اجماع کدخدایان محلات، میرزا محمد رضی ناظر سرکار مسجد جامع کبیر و واقعه‌نویس سرکار شاهرخ شاه را به همراه آقا حسین برادر آقا شریف متولی سابق و میرزا عسکری برادر میرزا امین را روانه مذاکره با پادشاه ابدالی کرد (همان: ۱۶۰ و ۲۴۴).

زمانی که خلأ قدرت در مملکت وجود داشت، متولیان و دیگر مقامات عالی‌رتبه آستان قدس رضوی می‌توانستند نقش پویا و قاطعی در تاج‌بخشی یا حتی حاکمیت خویش تدارک ببینند. با فروپاشی حکومت صفویه، میرزا ابوالحسن صاحب نسق سرکار فیض آثار به همراه عده‌ای از بزرگان شهر توانست علی‌قلی خان بیگلربیگی سابق مشهد مقدس را که توسط اسماعیل خان معزول شده بود از زندان آزاد و به حکومت نصب و تمامی اموال اسماعیل خان حاکم و اطرافیان‌ش را تصاحب کند (مستوفی، ۱۳۹۸: ۱۷۵). با این همه، مداخلات سیاسی مقامات سرکار فیض آثار گاهی موجب برکناری و قتل آنان را فراهم می‌آورد؛ از جمله در سیزدهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۳۵ قمری، حاجی محمد از بزرگان ناراضی شهر، میرزا ابوالحسن صاحب نسق و بزرگان همدست وی را به قتل رسانید و ضمن ادعای حکومت، تولیت آستان قدس را به میرزا شمس‌الدین محمد از بزرگان مشهد مقدس و صاحب نسقی سرکار فیض آثار را به حسن نمک‌کش واگذار کرد. با وجود این، در شهر به اندازه‌ای هرج و مرج شد که غروب آفتاب کسی از خانه خود به آستان مقدس نمی‌توانست برود (همان: ۱۷۶-۱۷۷). همین روند در دوره فرمانروایی سیدمحمد متولی

فرزند میرزا داود متولی تکرار شد. میرعلم خان خزیمه امیر قدرتمند وی را به تخت سلطنت نشانید و شاهرخ را نابینا و معزول کرد. بعد از ۴۰ روز، یوسف علی خان جلایر بی اطلاع از اوضاع بر سر خوانین اعراب ریخت و شاهرخ شاه را بر تخت سلطنت نشانید. وی همچنین محمد را که مخاطب به شاه سلیمان ثانی بود، نابینا کرد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۵).

نقش مهم دیگر متولی به صدا درآوردن نقاره خانه آستان قدس رضوی و اعلام خبر پیروزی های سیاسی نظامی فرمانروا بود. با تغییر حاکم یا کسب پیروزی در نبردی بزرگ مراسم جشن و سرور مهیا می شد که علامت آن به صدا درآمدن نقاره خانه آستان قدس بود. در این زمینه، در اسناد شرکت تجاری واک به موارد متعددی اشاره شده است. به عنوان مثال، به علت پیروزی نادرشاه در لاهور، نقاره خانه بارگاه امام رضا علیه السلام به فرمان رضاقلی میرزای ولیعهد به صدا درآمد^۱ (فلور، ۱۳۶۸: ۸۵). در همین خصوص، سال ۱۱۳۵ قمری، با کشته شدن میرزا ابوالحسن خان صاحب نسق شرایطی مهیا شد تا شورشیان اسماعیل خان سپهسالار و ملک حسین خان برادر ملک محمود را که هر دو محبوس بودند، بیرون آورند. آنان اسماعیل خان را سردار و صاحب اختیار و ملک حسین خان را حاکم مشهد کردند و بدین مناسبت نقاره زدند (مستوفی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). اداره نقاره خانه اهمیت فراوانی در دوره افشاریه داشت. نقاره چیان در ماه رمضان و اعیاد مذهبی فعالیت ویژه ای داشتند. لذا به رسم تحفه^۲ مواجب مضاعفی دریافت می کردند (سند شماره ۳). بر اساس نواختن سازی خاص، شش نفر کرناچی، دو نفر نقاره چی، یک نفر نفیر چی و سه نفر گورگه چی در ساعاتی خاص برای نواختن در آستانه حضور داشتند (فاطمی مقدم، ۱۳۹۷: ۳۳ و ۵۲؛ دایره المعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹: ۶۵۶).

۲-۳. پیوند معنوی فرمانروایان افشار با امام رضا علیه السلام

از دوره صفویه مراسم مقدس شیعیان در داخل و خارج شهرهای کشور به ویژه در مشهد

۱. نمونه مشابه: در ۱۴ شوال ۱۱۵۱ ق، رضاقلی میرزا طی فرمانی به ابوالحسن خان متولی اطلاع داد که نقاره خانه را به شادمانی پیروزی اش بر ازبکان به صدا درآورد (فلور، ۱۳۶۸: ۸۶).

۲. نمونه مشابه: در دوره افشاریه، دادن خلعت و پرداخت قیمت آن به خطیب، صدر الحفاظ و پیش نماز آستان قدس مرسوم بوده است (اخوان مهدوی و نقدی، ۱۳۹۶: ۹۰).

مقدس اهمیت زیارتی فراوانی برای طبقات مختلف جامعه داشت که همین امر مورد توجه بازدیدکنندگان اروپایی هم قرار می‌گرفت؛ به طوری که پادری بازن، کشیش فرانسوی طبق مشاهدات شخصی‌اش می‌نگارد: مشهد، مسجد بسیار مجلل و باشکوهی دارد که بارگاه امام رضا (علیه السلام) یکی از دوازده معصوم دودمان علی (علیه السلام) آنجاست. ایرانیان به او همان قدر احترام قائل‌اند که نسبت به پیامبر خود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و زیارت مشهد را در مدت زندگی خود اقلایک‌بار مانند طواف فرض می‌شمارند (بازن، ۱۳۴۰: ۵۰). در دوره افشاریه، شهر مشهد بارها تحت محاصره نیروهای متخاصم به خصوص قشون افغان قرار می‌گرفت، ولی طبق نگاشته مورخان به سبب میمنت و معجزات امام هشتم شیعیان، موفق به تصرف آن نمی‌شدند؛ از جمله، سال ۱۱۳۴ قمری با آغاز فروپاشی حکومت صفویه، محمدخان افغان به قلعه مشهد حمله کرد ولی به میمنت اعجاز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) آن شب دوازده نفر سبزیپوش به سپاه آنان حمله کردند و در نتیجه با تحمل شکست بازگشتند^۱ (مروی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۲۳).

نخستین اقدام فرمانروایانی که بر مشهد مقدس مسلط می‌شدند، زیارت آستان قدس رضوی بود تا با نشان دادن دینداری خویش، مشروعیت لازم را از اهالی که امام رضا (علیه السلام) را حارس شهر از دشمنان می‌دانستند، دریافت کنند. به عنوان نمونه، سال ۱۱۳۵ قمری، ملک محمود سیستانی پس از دخول به مشهد مقدس به زیارت بارگاه امام (علیه السلام) و تناول شیلان سرکار فیض آثار شتافت. وی سپس به همراه لشکریانش در مقر حکومتی چهارباغ مستقر شد و بدین واسطه سلطه خویش را اعلام کرد (همان: ۳۸). به طریقی مشابه، پادشاهان صفوی از دیرباز هنگام جلوس بر تخت سلطنت به زیارت بارگاه مقدس رضوی می‌شتافتند؛ چنان که سال ۱۱۴۲ قمری، شاه طهماسب دوم با اعلام آغاز سلطنتش، بارگاه مقدس رضوی را زیارت کرد (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۱۹۴؛ دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۲۶).

نادرشاه افشار همواره برای تبرک و کسب روحیه جنگی مناسب خود و لشکریانش در

۱. نمونه مشابه: در حمله ذوالفقار خان ابدالی حاکم هرات به شهر مشهد، برج و باروی قلعه به اعجاز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) همچون قلاع شداد به نظر می‌آمد و از هر طرف آن قلعه را که مشاهده می‌کردند، سواره و پیاده بسیار در بالای حصار قلعه به نظر می‌آمد (مروی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۵۶).

میدان‌های نبرد به‌ویژه با نیروهای مهاجم افغان به بارگاه امام رضا (علیه السلام) متمسک می‌شد و به دعا و زیارت اقدام می‌کرد. به‌عنوان مثال، سال ۱۱۴۴ قمری، نادر قبل از حمله به ذوالفقار خان ابدالی حاکم هرات در آستان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فاتحه خواند و برای کسب پیروزی از درگاه الهی و امام (علیه السلام) طلب استغاثه کرد. به اعتقاد محمدکاظم مروی، عنایت امام (علیه السلام) موجب شد تا در ظهر روز سوم مواجهه پیروزمندانه فرمانده افشار با ذوالفقار خان ابدالی، باد و طوفان مخالف به اعجاز علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرو نشیند (مروی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۶۹ و ۱۷۳). در همان سال، فرمانروای افشار ضمن اعلام مخالفت با صلح تحمیلی حکومت عثمانی با شاه‌طهماسب دوم اعلام کرد بعد از عید سعید فطر «به هم‌عنانی جنود غیبی و هم‌رکابی تأییدات لاریبی از خدمت سلطان اقلیم ولایت و ارتضاء علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثنا مرخص گشته، با جنود پر خاشجوی قوی چنگ بدون تأمل و درنگ کوچ بر کوچ عازم کعبه مقصود خواهیم شد.» بدین منظور فرمانروای افشار برای توفیق در نبرد آتی، با زیارت بارگاه امام ثامن (علیه السلام) از روح مطهر ایشان طلب استمداد نمود (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۷۷ و ۱۸۳؛ نوایی، ۱۳۶۸: ۱۰۳). با این اوصاف، از مهم‌ترین عوامل مشروعیت‌بخش حکومت نادرشاه، توسل و سرسپردگی به امام ثامن (علیه السلام) بود که به‌ویژه در جدال‌های سیاسی با دشمنان تیلور مضاعفی می‌یافت؛ چنان‌که، احمد پاشا والی بغداد در نامه‌ای منظوم، تبار دون‌پایه نادر را فاقد وجهه لازم برای تصاحب پادشاهی دانست. لذا نادرشاه در جوابی منظوم با توسل بر فضل الهی و ائمه اطهار، یاور خود را امام رضا (علیه السلام) دانست که تحت لوایش لشکرکشی می‌نماید^۲ (حدیث نادرشاهی، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۱۱۵).

در دوره جانشینان نادرشاه که قلمرو حکومت افشاریه به خراسان محدود شده بود، تمسک به آستان قدس رضوی نقش برجسته‌ای در تأمین مشروعیت فرمانروایان ایفا می‌کرد؛ چنان‌که شاه‌رخ‌شاه و شاه‌سلیمان دوم به سبب خودمختاری ایلات خراسان تنها با اجماع بزرگان ایلی و اعلام سوگند و بیعت‌شان در صحن بارگاه امام هشتم شیعیان حاضر به قبول

۱. نمونه مشابه: نادرشاه در فرمانی خطاب به علی مرادخان شاملو در سفارت هندوستان تأکید می‌کند که با اجازه و امداد حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) افغان‌های ابدالی و غلزایی را شکست داده است (استرآبادی، ۱۳۸۳: ۴۵).
 ۲. بود یاور من امام رضا/ به نامش برافراختم این لوا/ اگر می‌شود یاورم شاه توس/ به هندوستان می‌زنم طبل و کوس.

سلطنت می‌شدند. به‌عنوان نمونه، برای اعلام پادشاهی شاهرخ، خوانین خراسان در آستان قدس رضوی پیمان وفاداری خویش را با قید قسم همراه کردند و همگی دست بیعت دادند^۱ (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۴۳۱؛ جامی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). شاهرخ‌شاه برای اطمینان از تأمین مشروعیت حکومت بلندمدت خویش^۲ در هنگامه رخدادهای سیاسی نظامی همواره به معنویت امام رضا (علیه السلام) تمسک می‌جست؛ از جمله، برای اطمینان بخشیدن به محمدمیرزای متولی که وی را رقیبی برای حکومتش قلمداد می‌کرد، قرآن مجید و مهر مقدس امام (علیه السلام) را شفیع نمود و با وی در عمارات سرکار فیض آثار ملاقات کرد^۳ (مرعشی، ۱۳۶۲: ۱۰۳؛ نوایی، ۱۳۶۸: ۴۹۶؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۰). در روندی مشابه، برای اعلام پادشاهی شاه سلیمان دوم تمامی خوانین خراسان در مشهد مقدس حاضر شدند. آنان از وی استدعای قبول امر سلطنت را کردند و پس از مراسم تاج‌گذاری به زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) رهسپار شدند (هاشم میرزا سلطان، ۱۳۷۹: ۱۰۸ و ۱۱۴).

۲-۴. مناصب اجرایی و فعالیت‌های عمرانی آستان قدس رضوی

سرکار فیض آثار به لحاظ تنوع ادارات و مشاغل مرتبط در زمینه‌های عمرانی، علمی، مذهبی، تولیدی و تجاری مهم‌ترین تشکیلات اداری دوره افشاریه محسوب می‌شد؛ از این‌رو، منصب تولیت سرکار دارای منزلت اجتماعی بسزایی بود. نگارنده دستور الملوک شرح کاملی از وظایف متولی آستان قدس رضوی را ذکر کرده است:

نظم و نسق کتابخانه و شربت‌خانه و دارالشفاء و مطبخ^۴ و عطارخانه و فراش‌خانه و حویج‌خانه و شماعی‌خانه و خبازخانه و ایغ‌خانه و قصاب‌خانه و هیمه‌خانه و راتبه و

۱. نمونه مشابه: برای اعلام پادشاهی شاه سلیمان دوم تمامی خوانین خراسان در مشهد مقدس حاضر شدند. آنان از وی استدعای قبول امر سلطنت را کردند و پس از مراسم تاج‌گذاری به زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) رهسپار شدند (هاشم میرزا سلطان، ۱۳۷۹: ۱۰۸ و ۱۱۴).

۲. تمسک شاهرخ‌شاه به آستان قدس رضوی در نگاه‌شسته مهر سلطنتی‌اش نیز هویدا بود: «شاهرخ کلب امیرالمؤمنین/ شد در اقلیم رضا صاحب‌نگین» (نوایی، ۱۳۶۸: ۵۴۲).

۳. نمونه مشابه: شاهرخ‌شاه در هنگامه نبرد با پسر بزرگ‌ترش نصرالله میرزا به آستان قدس پناه برد. نصرالله میرزا پس از زیارت آستانه به خدمت والد خود رفت و وی را خاطر جمع نمود (گلستانه، ۱۳۴۴: ۹۹).

۴. مطبخ از بخش‌های خنوبچه‌خانه، شربت‌خانه، خبازخانه و ادویه‌خانه تشکیل می‌شد که گاه به مجموع آن‌ها کارخانه می‌گفتند (طلائی، ۱۳۸۱: ۵۲).

شیلان و روشنایی و رخوت و خلاع که بر جماعت مقررہ تقسیم شود و تجویز سرکشیکان و خادم‌باشیان و خدمه و حفاظ کلام‌الله و اطبا و منجم و خراشه‌دار و صاحب نسق و فراشان و بخورسوزان و موذنان و دربانان و ایامچیان و علمداران و باغبانان و عمله نقاره‌خانه و بیلدارباشی و همگی عمله کارخانجات و بیوتات و عزل و نصب و بازخواست و تنبیه هر یک از این‌ها و تکثیر و توفیر زراعات و عمارات و باغات و حواله و اطلاق و تنخواه دادن به تحویل‌داران از کارخانجات مزبوره، مواجب و مقرری ناظر و مستوفی و سرکشیکان و خادم‌باشیان و همگی منشیان آن آستان ملایک پاسبان با عالی جاه متولی آستانه مقدسه است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

با این همه، متولیان اختیار مطلق در امور محوله نداشتند؛ چراکه بقیه مناصب عالی‌رتبه سرکار فیض آثار از جمله وزیر، ناظر، مستوفی، وکیل، تحویل‌دار، سرکشیک و خادم‌باشی بنا به فرمان پادشاه تعیین می‌شدند و در حوزه وظایف خویش طبق تأکید فرمانروا دارای استقلال عمل فراوانی بودند (همان: ۱۷۴، ۱۷۷ و ۲۳۳). از نشانه‌های مهم تمایز حوزه وظایف مختلف، وجود مهرهای جداگانه صاحب‌منصبانی همچون متولی و وزیر آستان قدس رضوی بود که ویژگی‌هایی همچون اشکال بیضی و چهارگوش، مسجع و خطوط نستعلیق داشتند؛ از جمله، برای نظارت مؤثر و جلوگیری از فساد مالی مقرر بود که بعد از مهر متولی، مقامات ناظر و مستوفی نیز فرامین اجرایی وی را تایید کنند؛ به طوری که بدون نوشته و مهر وزیر یک دینار و یک من بار در سرکار مذکور دادوستد نمی‌شد (استرآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۵؛ موسوی، ۱۴۰۱: ۴۶ و ۲۰۴-۲۰۵). از سال ۱۱۴۰ قمری، نادر با تسلط بر مشهد مقدس با عنوان قورچی‌باشی و سپس والی خراسان مداخلات دیوانی فراوانی در امور اجرایی آستان قدس داشت که با مصادره کلیه اوقاف در دوره پادشاهی اش تکمیل شد؛ به عنوان مثال، نادر در دوره قورچی‌باشی، فرمان اختصاص وجوه نقدی و جنسی به بیوتات آستان قدس (شماعی‌خانه، حویج‌خانه، شربت‌خانه و عصارخانه) و در دوره والی‌گری هم فرمان انتصاب میرزا محمدزکی به عنوان وکیل آستان قدس و مسجد گوهرشاد را صادر نمود (سند شماره ۴) که بر اساس آن، امور و تولید حرم رضوی و مسجد جامع گوهرشاد، در یکدیگر ادغام شد (شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۱۶-۲۱۷ و

۲۴۶-۲۴۷؛ سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷: ۵۵). در همین زمینه، شاهرخ شاه افشار در طی فرامینی با انتصاب مقاماتی همچون میرزا محمد رضی ناظر و میرزا محمد حسین رضوی سرکشیک آستان قدس رضوی، ضمن شرح وظایفشان بر استقلال عمل آنان تأکید داشت^۱ (رضوی، ۱۳۵۲: ۱۵۴-۱۵۵ و ۲۴۴-۲۴۵).

در دوره افشاریه به پیروی از سنت متداول پدر میراثی دوره صفویه، تمامی مشاغل عالی‌رتبه مراقد مقدس امامان و امامزادگان همچون آستان قدس رضوی بنا به فرمان فرمانروا به اعضای خاندان سادات عالی‌مقام واگذار می‌شد. به‌عنوان مثال، در دوره سلطنت نادرشاه، مهم‌ترین متولی بارگاه امام ثامن (علیه السلام)، سید محمد میرزا فرزند میرزا داود متولی بود که در دوره سلطنتش با عنوان شاه‌سلیمان دوم، تولیت آستان را به فرزندش سلطان داود میرزا و نیابت را به میرزا محمد امین اختصاص داد (مرعی، ۱۳۶۲: ۹۴-۹۵؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۶). شخص متقاضی منصب می‌بایست درخواستی خطاب به متولی یا پادشاه عصر می‌نگاشت تا پس از تایید صلاحیتش از جانب مقام ناظر، حکم انتصابش صادر شود؛ چنان‌که سال ۱۱۶۱ قمری، محمد اسماعیل نقاره‌چی برای دستیابی به منصب مهتری نقاره‌خانه پس از وفات محمد صادق و چند ماه بعد محمد رحیم (سند شماره ۵) عریضه‌ای نگاشتند (فاطمی مقدم، ۱۳۹۷: ۴۸). افزون بر آن، سال ۱۱۷۸ قمری پیرامون منصب خادم‌باشی، میرزا محمد تقی عریضه موفقیت‌آمیزی به شاهرخ شاه نگاشت و اعلام کرد که منصب خادمی بارگاه امام (علیه السلام) متعلق به پدرش میرزا محمد بود. لذا درخواست کرد تا منصب مذکور با حقوقش برای وی برقرار شود^۲ (رضوی، ۱۳۵۲: ۱۲۳). در صورت فقدان فرزندی شایسته مناصب به دیگر خویشاوندانش می‌رسید؛ چنان‌که سال ۱۱۶۶ قمری، شاهرخ شاه طی فرمانی منصب کشیک ثالث را با وفات میر محمد جعفر به آقا محمد حسین و در فرمانی دیگر سال ۱۱۹۵ قمری، به جای میرزا احمد، میرزا ابوالقاسم را به مشرفی عمارات، شربت‌خانه و دارالشفای آستانه منصوب کرد (معتقدی، ۱۳۸۷: ۳۰ و ۳۳).

۱. نمونه مشابه: شاهرخ شاه افشار در سال ۱۱۷۸ قمری، میرزا عبدالحی را به‌عنوان سرکشیک دوم انتخاب کرد (نقدی، ۱۳۹۹: ۱۴۰).
 ۲. نمونه مشابه: شاهرخ شاه طی فرمانی به سال ۱۱۵۴ قمری، منصب کلیدداری ضریح مقدس را پس از وفات میرزا خلیل به نواده‌اش میرزا عبد الغفور واگذار کرد (نوابی، ۱۳۶۸: ۴۸۰).

پادشاهان و دیگر طبقات جامعه عصر صفویه، نذورات و اوقاف فراوانی به سرکار فیض آثار تقدیم می‌داشتند؛ به طوری که دارایی‌های وقفی و غیروقفی آن در سراسر کشور پراکنده بود؛ چنان که به غیر از نذورات و زمین‌های اطراف شهر مشهد، مالیات زمین‌های کشاورزی ولایات شیروان، هرات، اصفهان، قزوین، ساوجبلاغ، تهران، سمنان، نیشابور، سبزوار، جویین، استرآباد، خبوشان، دامغان، کرمان و ایلات به شیوه سیورغال برقرار بود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۶). با وقوع آشوب اجتماعی فراگیر، بسیاری از مدعیان سلطنت و رهبران ایلی خراسان برای تهیه سیورسات لشکریان به مصادره ثروت جنسی و نقدی آستان قدس و ضرب سکه اقدام می‌کردند. در ابتدا ملک محمود سیستانی حاکم مشهد برای مقابله با دشمنان، بعضی از اسباب و ظروف طلا و نقره آستانه را شکست و برای تهیه تدارکات خویش سکه ضرب کرد (مستوفی، ۱۳۹۸: ۱۸۰). طهماسب قلی خان افشار هم در بدو قدرت‌گیری‌اش دستور داد طلاهای گنبد، سقف‌ها و علم‌های مناره‌های آستانه را بکنند تا سکه ضرب نماید و اعلام کرد در صورت پیروزی در نبرد، طلاها را به جای قبلی‌شان نصب می‌کنم و سقاخانه‌ای در مقابل می‌سازم. وی به عهد خود وفا کرد و سقف سقاخانه را نیز مطلا نمود^۱ (ریاحی، ۱۳۶۸: ۱۴۳).

نادر پس از ضبط موقوفات آستان قدس رضوی با هدف کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های جاری آستانه، خدمت خادمان، دربانان، فراشان، موزنان و کفش بانان حرم رضوی را که به صورت پنج کشیک بودند، به سه کشیک کاهش داد. در نتیجه، تعداد کارکنان و حقوق دریافتی آنان کاهش یافت و تعدادی از مشاغل در یکدیگر ادغام شدند؛ از جمله، محمد شریف همزمان مدرس و خادم کشیک اول بود^۲ (فاطمی مقدم، ۱۳۹۷: ۳۲؛ سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷: ۶۲). با وجود تضعیف تشکیلات آستان رضوی و ناامنی گسترده اجتماعی، ۱۷ فقره از اوقاف موروثی شکل گرفت که ضمن کسب ثواب اخروی، موجب نظارت اشخاص بر تمول خانوادگی در قالب تولیت را فراهم می‌آورد؛ چنان که در سال ۱۱۵۸ قمری، یلداش بیگ مزارعی از بلوکات جاغرق و شاندیز و در سال ۱۱۶۸ قمری،

۱. نمونه مشابه: نادرشاه در طی فرمانی از میرزا محمدرضا متولی آستان رضوی درخواست ارسال طبیب و دارو برای درمان سربازان مجروحش نمود (نوایی، ۱۳۶۸: ۴۶۷).

۲. نمونه مشابه: مقرر شد در هر کشیک دو مدرس به تدریس اشتغال و رزندگان (دایره المعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹: ۴۴۷).

حاجی عبدالله، دکاکین، مزارع و باغاتی را در مشهد و نواحی مجاور وقف مصارف مختلف از قبیل روشنایی آستان قدس نمودند^۱ (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۸ و ۲۹۹). در همین زمینه، دو نسخه قرآن مجید به خط میر عبدالقادر حسینی توسط محمدحسین خان، بیگلربیگی ایل چمشگزک و خبوشان وقف آستان قدس رضوی شد (دایره‌المعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹: ۲۳۱-۲۳۲).

در دوره مستعجل و لرزان قدرت جانشینان نادرشاه، تلاش بسیاری برای جلب رضایت طبقات مذهبی برای کسب مشروعیت سیاسی صورت گرفت. برای سامان بخشیدن به اوضاع آشفته آستان قدس رضوی و جلوگیری از مداخلات دیوانی، طومار علیشاهی در سال ۱۱۶۰ قمری، به شیوه مرسوم دوره صفویه تنظیم شد. در طومار، تمامی موقوفات از جمله املاک مزروعی، باغات، کاروان‌سراها و دکاکین و میزان درآمد آنان (در نواحی مختلف خراسان و ولایات استرآباد، سمنان، اصفهان، مازندران، کرمان و قزوین)، وظایف و مواجب نقدی و جنسی صاحب‌منصبان و بیوتات و همچنین شرایط بست‌نشینی در آستانه ذکر شد (طومار علیشاهی، ۱۳۷۹: ۲۵-۳۰، ۴۸-۵۶ و ۱۱۰-۱۱۱). با این اقدام، اداره تمامی موقوفات ضبط‌شده از دیوان‌سالاری به سرکار فیض آثار بازگشت و با اعاده کشیک پنج‌گانه، تعداد کارکنان آستانه هم افزایش یافت (همان: ۱۲-۱۳). در تداوم روند اقدامات اصلاحی، شاه‌رخ‌شاه ضمن وقف املاکی بر آستان قدس رضوی، در ذی‌الحجه سال ۱۱۶۱ قمری در پاسخ به عریضه محمد صفی وزیر سرکار فیض آثار به بیگلربیگی، عمال، کلانتر، بابایان و کدخدایان محلات مشهد مقدس فرمان معافیت کارکنان آستان قدس از تکالیف اضافی و مالیات‌هایی همچون نزول، حوالجات و شلنقات محلات به شیوه دوره صفویه را داد (دایره‌المعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹: ۶؛ معتقدی، ۱۳۸۷: ۳۱؛ نقدی، ۱۳۹۹: ۳۴۷).

در دوره دوم حکومت شاه‌رخ‌شاه افشار، روسای ایلات قدرتمند خراسان همچون میرعلم خان عرب بارها اموال اهالی مشهد را چپاول و محصولات زمین‌های موقوفه سرکار فیض

۱. نمونه مشابه: در سال ۱۱۶۴ قمری، موقوفه بی‌بی مرضیه خانم ملقب به صدر الحاجیه شامل دو دانگ قنات و مزرعه نفس‌القریه در ناحیه مروست فارس به مهمان‌سرای آستان رضوی اختصاص یافت (جعفرآبادی، ۱۴۰۰: ۵۲).

آثار را مصادره می کردند. به همین دلیل، میرزا امین متولی برای مقابله با هجوم‌های مکرر دشمنان به شهر ناگزیر شد تا قندیل سه هزار تومانی را بشکند و با ضرب سکه صرف موجب مدافعان قلعه کند (جامی، ۱۳۸۶: ۲۲۹ و ۲۵۰). در دوره‌های متوالی نیابت حکومت نصرالله میرزا و نادر میرزا فرزندان شاهرخ افشار همین رویه دنبال شد (سند شماره ۶) به طوری که با مشارکت میرزا ابوطالب نایب متولی آستان، جواهرآلات و حتی قالی زرین باف، قنادیل مرصع و دیگر قنادیل طلا و نقره را برای مخارج نظامی خویش سکه ضرب کردند (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۶-۱۵۷؛ نقدی، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

با وجود آنکه شاه طهماسب دوم در دوره سلطنت مستعجلش به شکرانه پیروزی بر قشون افغان اقدام به احداث صحن طلا کرد؛ ولی مهم‌ترین اقدامات عمرانی آستان قدس رضوی توسط نادر از همان آغازین سال‌های حکومتش انجام گرفت. سال ۱۱۴۲ قمری، در زمان والی‌گری وی بر خراسان و مناطق شرقی کشور «سکه به نام نامی سلطان اقلیم ولایت و ارتضاء علی بن موسی الرضا، علیه التحیه و الثنا زند»^۱ (قزوینی، ۱۳۶۷: ۸۶؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۱۸). سال ۱۱۴۵ قمری، نادر در متن وقف‌نامه‌ای که نام امام رضا (علیه السلام) در صدر آن قرار دارد، دارایی خویش شامل چندین خانه و دکان در مشهد و املاکی از مزرعه دهشک توس را که درآمد سالانه ۲۵۰ تومان داشت، به آرامگاهش در جوار آستان قدس اهدا کرد.^۲ وی سپس به سبب برآورده شدن نذر طلب نصرت بر دشمنان، صقه و مناره آستانه را زانود نمود و همچنین مناره مشابه دیگری در جوار آن ساخت^۳ (نویسی، ۱۳۶۸: ۴۳۱ و ۴۳۵؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۶۲؛ شیروانی، ۱۳۱۵: ۵۷۱). فرمانروای افشار پس از تصرف هندوستان ضمن بخشش سه‌ساله مالوجهاات سرکار فیض آثار، قندیل مرصع مینا و با تسخیر ترکستان قفل طلای مرصع به‌عنوان نذر فتوحات خویش تقدیم آستانه کرد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۳۶۰؛ نویسی، ۱۳۶۸: ۴۱۱). در همین زمان، طبق مشاهدات

۱. نمونه مشابه: شاه سلیمان دوم ضریح مکلل به جواهر مقبره نادرشاه را در بارگاه امام ثامن (علیه السلام) نصب کرد (مرعشی، ۱۳۶۲: ۱۱۹).
 ۲. نمونه مشابه: نادر ۷۰۰ جلد کتاب و مرقعات از کتابخانه سلطنتی اصفهان را به سرکار فیض آثار اهدا کرد (دایره‌المعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹: ۳۰۵ و ۴۵۶).
 ۳. نمونه مشابه: نادرشاه سال ۱۱۴۸ قمری، جوی آبی از کوهپایه‌های مشهد به کانال آب خیابان که از صحن آستان مقدس رضوی می‌گذشت، افزود (حزین، ۱۳۳۴: ۱۱۹).

عبدالکریم کشمیری سیاح هندی، قبر حضرت رضا (علیه السلام) را سه ضریح احاطه می‌کرد که خارجی آن از پولاد آبدیده، دومی طلای خالص و سومی که در موضع وصل به بارگاه قرار داشت از چوب صندل ساخته شده بود^۱ (کشمیری، ۱۳۲۲: ۲۴).

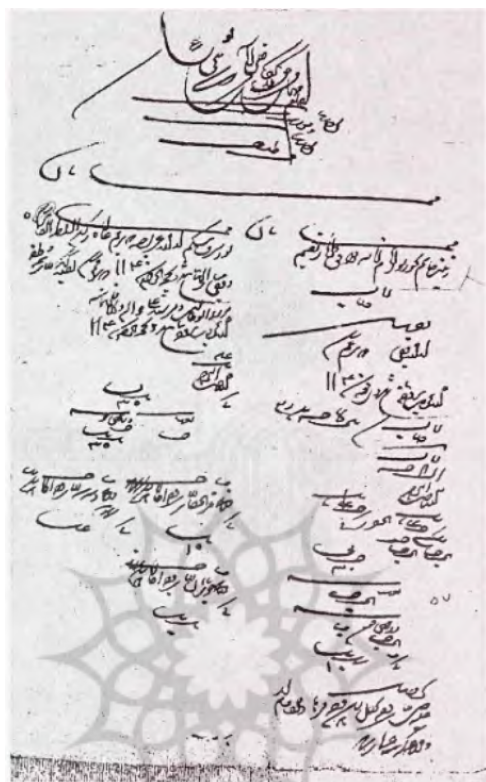
۳. نتیجه‌گیری

با فروپاشی حکومت صفویه، آستان قدس رضوی دورهٔ پرفراز و فرودی را سپری کرد؛ به طوری که گسترش ناامنی اجتماعی سیاسی کشور، تأثیر دوگانه و در عین حال متفاوتی بر جای گذاشت. از یک سو، بیشتر اموال نقدی و جنسی توسط مدعیان سلطنت به یغما رفت و منجر به کاهش زیارت و اقامت در آنجا شد و از سوی دیگر و در بلندمدت، تداوم سازمان اجرایی سرکار و پیوند معنوی فرمانروایان با امام رضا (علیه السلام) موجبات گسترش نفوذ متولیان و حفظ حرمت آستان قدس رضوی را فراهم آورد. مهم‌ترین علت این امر، دعا و طلب نصرت نادرشاه در جریان لشکرکشی‌ها در پیشگاه بارگاه امام ثامن (علیه السلام) و کوچاندن ایلات و اهالی شهرهای مختلف کشور به منطقهٔ خراسان به‌ویژه مشهد مقدس بود که موجبات رونق مجدد زیارت، سکونت و تدفین فرمانروایان و شخصیت‌های کشوری و لشکری در آستان قدس را مهیا ساخت. روند مذکور در دورهٔ جانشینان نادرشاه افشار به‌ویژه حکومت طولانی مدت شاهرخ بر خطهٔ خراسان مستحکم‌تر شد. کوری فرمانروای افشار و فقدان نظارت مؤثر بر قلمرو حکومتی، سبب خودمختاری و طغیان رهبران ایلی می‌شد که بارها به محاصره یا تسخیر پایتخت می‌انجامید. به همین دلیل، با افزایش نفوذ و قدرت مقاماتی همچون متولی سرکار فیض آثار، شاهرخ شاه ناگزیر گشت برای تأمین حداقل اقتدار و مشروعیت خویش، تمسک بیشتری به بارگاه امام رضا (علیه السلام) در قالب زیارت، تحسن و تأکید بر ارادت و سرسپردگی به امام معصوم (علیه السلام) در قالب فرامین، نگاشته مهر سلطنتی و بیاناتش داشته باشد.

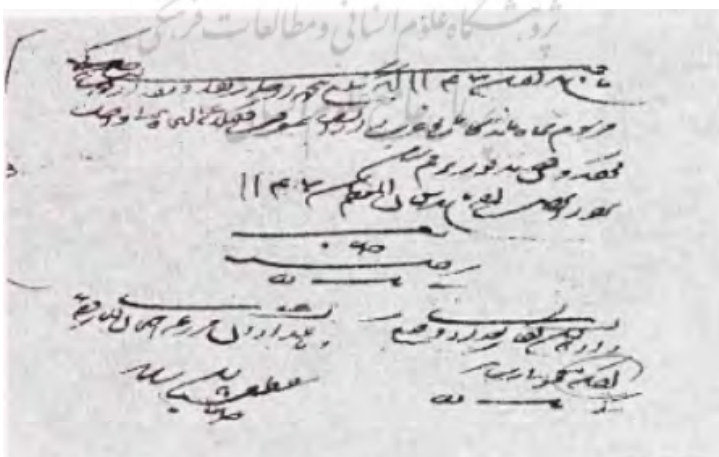
۱. نمونهٔ مشابه: میرزا محمدتقی خان حاکم یزد، باغ جنت‌آباد، آب‌انبار و کاروان‌سرای را که مأمّن زائران مشهد مقدس محسوب می‌شد وقف آستان قدس رضوی کرد (نابینا، ۱۳۶۸: ۳۶۸ و ۳۷۰).

جدول ۱: جایگاه آستان قدس رضوی در دوره افشاریه

<ul style="list-style-type: none"> - زیارت طبقات مختلف مردم - سکونت داوطلبانه یا به اجبار شخصیت‌های سیاسی و علمی - پناهگاه اهالی شهر به هنگام وقوع آشوب‌های داخلی - تدفین بسیاری از بزرگان عصر 	<p>سنت زیارت، سکونت و تدفین در آستان قدس رضوی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - وصلت حاکمان با خاندان متولی برای کسب مشروعیت سیاسی - وساطت و انجام مذاکرات سیاسی - نقش مؤثر در حراست از مشهد مقدس به هنگام آشوب سیاسی - به صدا درآوردن نقاره خانه آستان قدس و اعلام خبر پیروزی‌های سیاسی نظامی فرمانروا 	<p>جایگاه سیاسی متولیان آستان قدس رضوی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - میمنت و معجزات امام هشتم شیعیان به هنگام محاصره نیروهای متخاصم - زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) توسط فرماندهان فاتح به منظور کسب مشروعیت سیاسی - طلب نصرت و استغاثه فرمانروایان 	<p>پیوند معنوی فرمانروایان افشار با امام رضا (علیه السلام)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - اهمیت سرکار فیض آثار در زمینه‌های عمرانی، علمی، مذهبی، تولیدی و تجاری - استقلال عمل مناصب عالی‌رتبه سرکار فیض آثار - مصادره اموال آستان قدس برای تجهیز لشکریان مدعیان مختلف سلطنت - اقدامات عمرانی نادرشاه افشار 	<p>مناصب اجرایی و فعالیت‌های عمرانی آستان قدس رضوی</p>

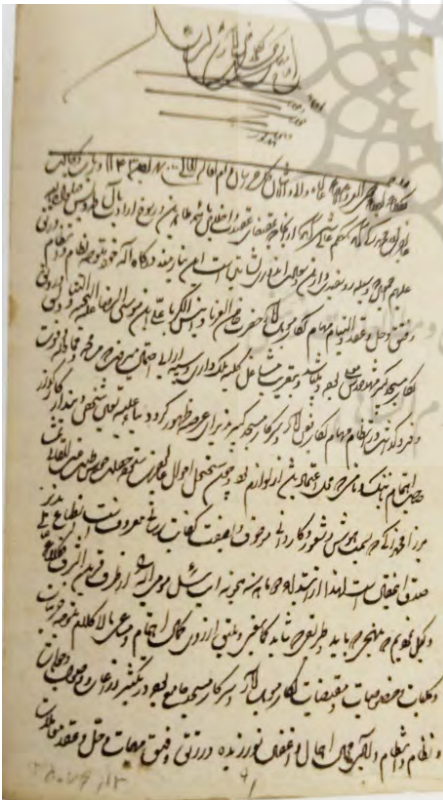


سند شماره ۱: مربوط به زینب خانم «بخورسوز ایام زنانه»، سال ۱۱۴۰ قمری



سند شماره ۲: مربوط به ماندگار بانو «عزب دارالشفاء»، سال ۱۱۴۷ قمری

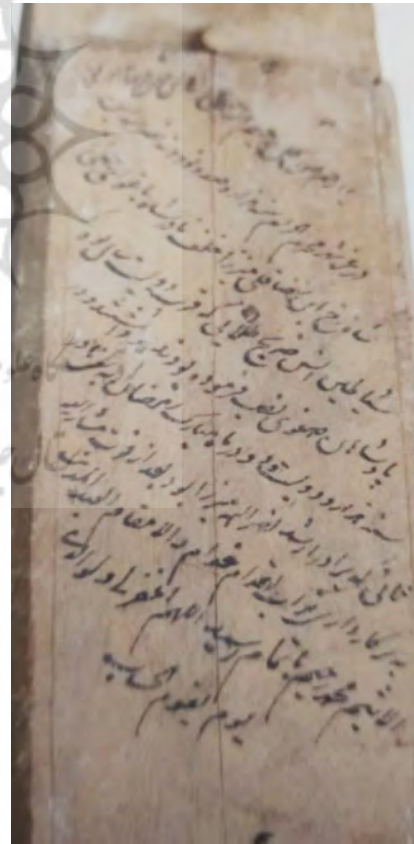
سند شماره ۳: پرداخت حقوق کارکنان
نقاره خانه در سال ۱۱۵۶ قمری



سند شماره ۴: تعلیقچه والی خراسان در خصوص در
انتصاب میرزا محمدزکی به عنوان وکیل آستان قدس و
مسجد جامع گوهرشاد (۱۱۴۳ ق.)



سند شماره ۵: انتصاب محمد رحیم به مهتری
نقاره خانه به جای محمد اسماعیل در سال ۱۱۶۱ قمری



سند شماره ۶: کتیبه ضریح قدیمی حرم امام رضا علیه السلام
در باره دست‌درازی نصرالله میرزا به حرم مطهر (۱۱۹۹ ق.)
و تعمیر ضریح (۱۲۰۲ ق.)

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ابوالبشری، پیمان؛ ابراهیمی، آمنه. (۱۳۹۶). «تحلیلی بر تاریخ نذورات آستان قدس رضوی از صفویه تا قاجاریه». شیعه‌شناسی. ش ۵۹. صص: ۷-۲۸.
- اخوان مهدوی، علی؛ نقدی، رضا. (۱۳۹۶). آیین‌های حرم مطهر رضوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- استرآبادی، میرزا محمد مهدی. (۱۳۸۳). گزیده‌ای از منشآت. به کوشش نصرالله بیات. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
- (۱۳۷۷). جهانگشای نادری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. (۱۳۷۸). آتشکده. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- بازن، پادری. (۱۳۴۰). نامه‌های طیب نادرشاه. ترجمه علی اصغر حریری. تهران: تابان.
- پورمحمدتقی جعفرآبادی، سهراب. (۱۴۰۰). تاریخ مهمان‌سرای آستان قدس رضوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- جامی، محمود الحسینی بن ابراهیم. (۱۳۸۶). تاریخ احمدشاهی. تهران: عرفان.
- حدیث نادرشاهی. (۱۳۷۶). تصحیح رضا شعبانی. چاپ دوم. تهران: بعثت.
- حزین، محمدعلی. (۱۳۳۴). تذکره. چاپ دوم. اصفهان: تائید.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- (۱۳۹۶). «تحلیلی بر خدمت‌موروثی در حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت معنوی در مشهد». همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان‌شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد. صص: ۱۶۸-۱۷۹.
- خاتون‌آبادی، سیدعبدالحسین. (۱۳۵۲). وقایع‌السنین و الاعوام. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- دایره‌المعارف آستان قدس رضوی. (۱۳۹۹). جلد دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- دوکلوستر، آندره. (۱۳۴۶). تاریخ نادرشاه. ترجمه محمدباقر امیرخانی. تبریز: سروش.
- رستم‌الحکماء، محمدهاشم آصف. (۱۳۸۲). رستم‌التواریخ. تهران: دنیای کتاب.
- رضوی، میر محمدباقر. (۱۳۵۲). شجره طیبیه. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: حیدری.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۶۸). سفارت‌نامه‌های ایران. تهران: توس.
- سوزنجی کاشانی، علی؛ جهانگیری کلاته، کاظم. (۱۳۹۱). «موقوفات متولیان آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه». پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی. ش ۱. صص: ۶۲-۹۸.
- سوزنجی کاشانی، علی؛ شعبانی، رضا. (۱۳۹۳). «تأثیر سیاست‌های وقفی نادرشاه و علیشاه افشار بر کاهش یا رشد موقوفات آستان قدس رضوی». پژوهش‌نامه تاریخ. ش ۳۴. صص: ۷۹-۹۸.
- سوهانیان حقیقی، محمد؛ نقدی، رضا. (۱۳۹۷). آستان قدس رضوی: متولیان و نایب‌التولیه‌ها. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شهیدی، حمیده. (۱۳۹۳). «تاریخچه شربتخانه آستان قدس رضوی بر مبنای اسناد». پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی. ش ۲. صص: ۵۹-۹۱.
- (۱۳۹۷). فرمان‌های آستان قدس رضوی در دوره صفویه. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد.

- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر. (۱۳۱۵). *بستان السیاحه*. تهران: احمدی.
- طلائی، زهرا. (۱۳۸۱). *دفتر اسناد*. جلد اول. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- _____ . (۱۳۸۵). *دفتر اسناد*. جلدهای دوم و سوم. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- _____ . (۱۳۸۷). *دفتر اسناد*. جلد چهارم. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- طومار علیشاهی. (۱۳۷۹). *تصحیح مرکز خراسان‌شناسی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- فاطمی مقدم، زهرا. (۱۳۹۱). «سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی». *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*. ش ۱. صص: ۳۷-۶۱.
- _____ . (۱۳۹۷). *تاریخ نقاره‌خانه رضوی*. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۸). *حکومت نادرشاه*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- قزوینی، ابوالحسن. (۱۳۶۷). *فوائد الصوفیه*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کروسینسکی، یوداش تادوش. (۱۳۹۶). *سفرنامه*. ترجمه ساسان طهماسبی. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- کشمیری، میرزا عبدالکریم. (۱۳۲۲). *در رکاب نادرشاه*. ترجمه محمود هدایت. تهران: سپهر.
- گزارش کارملیت‌ها از ایران. (۱۳۸۱). ترجمه معصومه ارباب. تهران: نشر نی.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین. (۱۳۴۴). *مجله التواریخ*. به اهتمام مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: ابن‌سینا.
- مدرس رضوی، محمدتقی. (۱۳۷۸). *سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مرعشی، میرزا محمد خلیل. (۱۳۶۲). *مجمع التواریخ*. تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- مروی، محمدکاظم. (۱۳۹۸). *عالم‌آرای نادری*. تصحیح محمدامین ریاحی. چاپ چهارم. تهران: علمی.
- مستوفی، محمدحسن بن محمدکریم. (۱۳۹۸). *زبده التواریخ*. به کوشش بهروز گودرزی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دکتر محمد افشار.
- معتقدی، ربابه. (۱۳۸۷). *فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه*. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- موسوی، آمنه؛ دلبری، شهربانو. (۱۳۹۷). «بررسی جایگاه منصب مهادری در آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا قاجار». *گنجینه اسناد*. ش ۲۸. صص: ۶-۳۰.
- موسوی، آمنه. (۱۳۹۱). «بررسی مهر و امضا در وقف‌نامه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا پهلوی». *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*. ش ۱. صص: ۲۷۸-۲۸۹.
- _____ . (۱۴۰۱). *گنجینه مهر رضوی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- میرزارفیعا، محمدرفع بن حسن. (۱۳۸۵). *دستور الملوک*. تصحیح محمداسماعیل مارچینوفسکی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نایینی، محمدجعفر بن محمدحسین. (۱۳۶۸). *جامع جعفری*. تهران: انجمن آثار ملی.
- نظرکرده، اعظم. (۱۳۹۱). «پایگاه اجتماعی واقفان املاک آستان قدس رضوی». *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*. ش ۱. صص: ۹۹-۱۲۳.
- نقدی، رضا. (۱۳۹۹). *تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). نادرشاه و بازماندگانش. تهران: زرین.
- وارد، محمدشفیع تهرانی. (۱۳۴۹). تاریخ نادرشاهی. به اهتمام رضا شعبانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله داغستانی، علی قلی بن محمد علی. (۱۳۸۴). تذکره ریاض الشعرا. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- هاشم میرزا، سلطان. (۱۳۷۹). زیورآل داود. تهران: میراث مکتوب.



Historical Background of Āstān Quds Razavi in the Afshariah Period

Mehdi Dehghani ¹

Received: May 27 , 2022

Accepted: August 20 , 2022

Abstract

Since the Safavid era, the privileged religious status of Āstān Quds Razavi had influenced its political performance. With the collapse of the Safavid government, state rulers such as Khorasan were weakened and dismissed and preparations were made for the autonomy of urban elders, including the guardian of the court of Imam Reza (as). Based on this, the current research is trying to find an answer to the question, what was the position of Āstān Quds Razavi in Afshariah period? In response, we come to the conclusion that during the Afshariah period, chaos and pervasive social insecurity on the one hand caused the confiscation of the property of the court of the 8th Shiite Imam (as) by the claimants of the monarchy; and on the other hand, it provided the basis for seeking help from different classes of society, even rulers in the form of pilgrimage, residence, burial and construction measures. This research, with the historical approach and the method of collecting historical library and documentary data from historical first-hand sources, after describing and classifying various aspects of the location of Āstān Quds Razavi, analyzes and interprets these features and its various political and social effects.

Keywords: Āstān Quds Razavi, Pilgrimage, Administrative System, Construction Measures, Afshariah Period.

* This article is extracted from the research project number 6-01-7814, which was carried out with the benefit of the research credits of Jiroft University.

1. Assistant professor of History Department of Jiroft University: mehdi.dh82@yahoo.com